

بررسی اثربخشی آموزش توجه براساس برنامه‌ی فلچر بر عملکرد خواندن دانش‌آموزان دختر نارساخوان

رویا چوپان زیده^۱، احمد عابدی^۲ و معصومه پیروز زیجردی^۳

چکیده

هدف از مطالعه‌ی حاضر، تعیین اثربخشی آموزش توجه براساس برنامه‌ی فلچر بر عملکرد خواندن دانش‌آموزان نارساخوان بود. روش این پژوهش تجربی است. بدین منظور، ۳۰ دانش‌آموز با نارساخوانی پایه‌ی سوم ابتدایی به شیوه‌ی نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب و به روش تصادفی در گروه‌های آزمایشی و کنترل گمارده شدند (۱۵ نفر در گروه آزمایش و ۱۵ نفر در گروه کنترل). به منظور گردآوری داده‌ها از مصاحبه بالینی، فهرست نشانگان نارساخوانی، آزمون خواندن کلاس سوم، آزمون هوش ریون استفاده شد. آموزش توجه بر روی گروه آزمایش در ۱۲ جلسه ارائه گردید. نتایج تحلیل کواریانس نشان داد که آموزش توجه براساس برنامه فلچر، عملکرد خواندن دانش‌آموزان مبتلا به نارساخوانی را به‌طور معناداری افزایش داد. این نتایج نشان داد که آموزش توجه می‌تواند در کنار مداخلات دیگر بر عملکرد خواندن موثر باشد.

واژه‌های کلیدی: نارساخوانی، آموزش توجه، برنامه فلچر، عملکرد خواندن

۱. نویسنده‌ی رابط: کارشناس ارشد روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی، دانشگاه اصفهان
(Roya.chopan@yahoo.com)

۲. استادیار گروه روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی، دانشگاه اصفهان

۳. کارشناسی‌ارشد روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی، دانشگاه اصفهان

تاریخ دریافت مقاله: ۹۲/۱/۲۵

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۲/۱۲/۶

مقدمه

اصطلاح ناتوانی یادگیری^۱ ابتدا در دهه ۱۹۵۰ و اوایل ۱۹۶۰ برای اولین بار به کار برده شده است. بدین معنی که کودکان ناتوان یادگیری، هوش متوسط یا بالاتر دارند اما نمی‌توانند در یک یا چند حوزه به‌طور شایسته‌ای در مدرسه عمل کنند (احدی و کاکاوند، ۲۰۰۹). این دانش‌آموزان در مهارت‌های مختلف تحصیلی مانند گوش دادن، خواندن و نوشتن، ریاضیات و حل مسئله منطبق با سن موفق عمل نمی‌کنند (فلچر، لیون، فوجز، بارن^۲، ۲۰۰۷؛ وری^۳، ۲۰۱۲). این اصطلاح عارضه‌هایی چون معلولیت‌های ادراکی، آسیب مغزی، اختلال جزئی کارکرد مغز، نارساخوانی و زبان پریشی رشدی را شامل می‌شود. اصطلاح یاد شده آن دسته از مشکلات یادگیری را که اساساً نتیجه معلولیت‌های دیداری، شنیداری، یا حرکتی، عقب ماندگی ذهنی، اختلال هیجانی، یا وضع نامساعد محیطی، فرهنگی یا اقتصادی است را در بر نمی‌گیرد (لرنر^۴، ۲۰۰۸).

با وجود اینکه خواندن بعنوان یکی از عمده ترین روش‌های کسب معلومات و دانش (عبدی و محمدی، ۱۳۹۲) و اساسی‌ترین ابزار یادگیری دانش‌آموزان است (سن^۵، ۲۰۰۹)، واقعیت‌های موجود در جامعه نشان دهنده ی توانایی پایین دانش‌آموزان ایرانی در این مهارت است (راقیان، اخوان تفتی و حجازی، ۱۳۹۱). دانش‌آموزان مبتلا به اختلال یادگیری که در خواندن نقص دارند، در دروس خود با مشکلات جدی روبه رو می‌شوند (آناستازی^۶، ۲۰۰۹). مثلاً اگر شاگردی در خواندن مشکل داشته باشد، چون در درس ریاضی قادر به خواندن صورت مسائل نیست قطعاً در همان درس اختلال پیدا خواهد کرد. همین‌طور چون این شاگرد نمی‌تواند مطلب کتاب را به‌درستی بخواند در نوشتن نیز مشکل پیدا خواهد کرد؛ یعنی در درس دیکته نیز دچار اختلال

-
1. Learning disability
 2. Flelcher, Lyon, Fuchs & Barnes
 3. Wary
 4. Lernr
 5. San
 6. Anastazi

خواهد شد (کرمی، علیخانی، زکی بی و خدادادی، ۲۰۱۲). نارساخوانی، یکی از انواع اختلال یادگیری است که مبنای عصب زیستی داشته و از جمله ویژگی‌های آن می‌توان به داشتن مشکل در روان‌خوانی کلمه، ضعف در هجی کردن و رمزگردانی اشاره کرد (لیون، شای ویتز و شای ویتز^۱، ۲۰۰۳). براساس ویراست چهارم بازنویسی شده راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی^۲ (DSM-IV-TR)، نارساخوانی چنین تعریف شده است: حالتی که در آن پیشرفت خواندن پایین‌تر از حد مورد انتظار بر حسب سن، آموزش و هوش کودک است (سادوک و سادوک^۳، ۲۰۰۷). این اختلال اغلب به شکل حذف یا اضافه کردن کلمات، مخلوط کردن، اشتباه در تلفظ حروف بدون صدا (مانند ف - ک - گ) و تحریف واژه‌ها مشخص می‌شود. کودک آهسته می‌خواند، آهسته و کند می‌نویسد، نوشته‌ها اغلب غلط، ناخوانا و دارای اشتباهات املائی و دستوری است. علی‌رغم یادآوری مکرر همیشه فراموش می‌کنند که جمله را با نقطه تمام کنند. اغلب آموزگاران اظهار می‌کنند که این کودکان گوش دهندگان خوبی نیستند. اگرچه آمارهای مربوط به شیوع اختلال یادگیری متفاوت است، اما شیوع اختلال خواندن بالا است. براساس انجمن روانپزشکی آمریکا (۲۰۰۰) نارساخوانی به تنهایی یا ترکیبی از اختلال ریاضی و نوشتن تقریباً چهار مورد از پنج مورد اختلال یادگیری را در برمی‌گیرد. حدود ۴ درصد از کودکان سنین مدرسه در ایالت متحده آمریکا دچار نارساخوانی هستند (اتاکی و کیساک^۴، ۲۰۰۸). مطالعات بالینی نشان می‌دهد نسبت پسرها به دخترها در این اختلال ۴ به ۳ است (باردفورد^۵، ۲۰۰۵). بسیاری از مطالعات موبد این فرضیه است که عوامل ژنتیکی در بروز نارساخوانی نقش مهمی دارند. اما تحقیقات انجام شده در این زمینه عوامل محیطی را نیز موثر دانسته‌اند (کاپلان و سادوک، ۲۰۰۷). بر اساس ویراست چهارم بازنویسی شده راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی، کودکان

-
1. Lyon & Shaywitz
 2. Diagnostic Statistical Manual of Mental Disorder – Third Edition
 3. Kaplan & Saduk
 4. Etek & kesac
 5. Bardfurd

نارساخوان در یک سری از زمینه‌ها از جمله سرعت پردازش، ناقرینگی مغز، حافظه، عملکرد شنیداری و کلامی و زبانی، توجه و ادراک مشکل دارند (نیکلسن و فاوست^۱، ۲۰۰۷). یکی از مشکلات عمده دانش‌آموزان که فرآیند آموزش را مختل می‌کند و موجب کاهش کارایی آنان در عملکرد تحصیلی می‌شود فقدان توجه است. توجه را در اختیار گرفتن ذهن به شکل هدفدار و تمرکز بر یک موضوع، فکر یا شی خاص از بین چندین مورد در یک زمان، تعریف می‌کنند (استرنبرگ^۲، ۲۰۰۶). توجه در تمام فرایندهای ذهنی مورد نیاز است. در یک فعالیت شناختی ابتدا توجه ما به محرک جلب می‌شود بعد آن را ادراک می‌نماییم. بنابراین توجه در عملکرد شناختی، رفتاری و ذهنی اهمیت زیادی دارد زیرا حتی کم توجهی‌های کوچک هم بر عملکرد یادگیری تأثیر می‌گذارد (عابدی، پیروز و یار محمدیان، ۲۰۱۲). توجه مثل دروازه بان ذهن عمل می‌کند، که این کار را با تنظیم و اولویت‌بندی محرک‌های پردازش شده توسط سیستم اعصاب مرکزی انجام می‌دهد. اجزای توجه شامل تنظیم برانگیختگی و مراقبت، توجه انتخابی، توجه پایدار، فراخنای توجه یا توجه تقسیم شده، بازدارندگی و کنترل رفتار است (سیدمن^۳، ۲۰۰۶؛ ملتزر^۴، ۲۰۰۷). هر چند تشخیص اجزای توجه و اندازه‌گیری آن مشکل است به این دلیل که توجه معمولاً در رابطه با برخی از فعالیت‌های دیگر ارزیابی می‌شود و دیگر اینکه بخش‌های متعدد مغز در پردازش توجه اثر گذارند (بارکلی^۵، ۱۹۹۷). با این حال، پژوهش‌های زیادی زیربنای اصلی نارسایی‌های یادگیری را کاستی‌های توجه در به جریان انداختن اطلاعات می‌دانند. کئوخ و مارگویس^۶ (۱۹۷۶، به نقل از سیدمن، ۲۰۰۶) مشکلات توجه کودکان نارساخوان را به ۳ دسته تقسیم کرده‌اند: توجه کردن، تصمیم‌گیری و توجه پایدار. راس^۷ (۱۹۷۷، به نقل از بارکلی، ۱۹۷۷)

1. Niklosn & fawcett
2. Estrenberg
3. Sidman
4. Meltzer
5. Barkly
6. Keakh & Margovis
7. Ross

بررسی اثربخشی آموزش توجه بر اساس برنامه‌ی فلچر بر عملکرد خواندن دانش‌آموزان دختر نارساخوان

مشکل اصلی کودکان اختلال یادگیری را تأخیر تحولی در توانایی حفظ و تداوم توجه انتخابی در موقعیت‌های مختلف نظیر کلاس درس می‌داند. راس (۱۹۷۷) اشاره می‌کند تحقیق بر روی توجه و اختلال یادگیری به صورت قوی نشان می‌دهد کودکانی که دارای نارسایی ویژه هستند، در توجه انتخابی و دقت تأخیر رشدی دارند. فلچر و همکاران (۲۰۰۷)، مک کلوסקی (۲۰۰۹) و اپسی^۲ (۲۰۰۴) اظهار کردند که توانایی کودکان در کارکردهای اجرایی و توجه در دوران پیش دبستانی می‌تواند توانمندی آنها را در خواندن و ریاضیات در سال‌های بعد به خوبی پیش‌بینی کند. سیدمن (۲۰۰۶) و سوانسون و ژرمن^۳ (۲۰۰۶) بیان می‌کنند یکی از مشکلات اساسی کودکان نارساخوان، توجه است. در مطالعه‌ی ای که توسط ویلبرگ^۴ (۲۰۱۰) صورت گرفت نشان داده شد که توجه کودکان نارساخوان نسبت به کودکان عادی ضعیف‌تر است. در مطالعاتی که توسط هونجانی (۲۰۰۷) و عابدی (۲۰۱۲) صورت گرفت، نشان داده شد که آموزش توجه به کودکانی که اختلال دیکته و ریاضی دارند، موجب افزایش معنی‌داری در عملکرد تحصیلی آنها می‌گردد. همچنین عابدی (۲۰۱۰)، میرمهدی، علیزاده و نراقی (۲۰۰۹)، سلطانی، علیزاده، هاشمی و صرامی (۲۰۱۲) تأثیر کارکردهای اجرایی و توجه را بر اختلال خواندن و ریاضیات بررسی کرده‌اند.

اختلال نارساخوانی بیش از سایر اختلالات یادگیری در حوزه‌های گوناگون مانع پیشرفت تحصیلی می‌گردد و با توجه به یافته‌های تحقیقات فوق‌نقص توجه از مسائل اساسی دانش‌آموزان با نارسایی خواندن می‌باشد. بنابراین یافتن راه‌حلی برای کاهش یا رفع این مشکل از اهمیت خاصی برخوردار است. سوال اساسی این پژوهش این است آیا آموزش توجه بر اساس برنامه فلچر بر عملکرد خواندن دانش‌آموزان نارساخوان مؤثر است؟

1. McCloskey
2. Epsy
3. Swanson & Jerman
4. Willburge

روش

در این پژوهش از روش تحقیق تجربی با طرح پیش‌آزمون - پس‌آزمون با گروه کنترل و گزینش تصادفی آزمودنی‌ها استفاده شد. متغیر مستقل این پژوهش آموزش توجه بر اساس برنامه فلچر است. نمرات پس‌آزمون کودکان در مقیاس اختلال خواندن متغیر وابسته این پژوهش بود. نمرات پیش‌آزمون و هوش به عنوان متغیرهای کنترل می‌باشند.

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری: جامعه آماری این پژوهش را کلیه دانش‌آموزان پسر دارای ناتوانی یادگیری خواندن (نارساخوان) که در سال تحصیلی ۹۱-۹۰ در پایه سوم، مقطع ابتدایی شهر شیراز مشغول به تحصیل بوده‌اند تشکیل داده‌اند. نمونه حاضر در این پژوهش ۳۰ نفر (۱۵ نفر گروه آزمایش و ۱۵ نفر گروه کنترل) که به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. به این صورت که با انتخاب ۳ ناحیه از بین نواحی دیگر آموزش و پرورش شهر شیراز، ۳ مدرسه در همان ناحیه به تصادف انتخاب شدند. سپس دانش‌آموزانی که مشکوک به اختلال نارساخوانی بودند، با استفاده از فهرست نشانگان نارساخوانی که توسط معلم پر می‌شود مورد بررسی قرار گرفتند و دانش‌آموزانی که با استفاده از این فهرست دارای اختلال تشخیص داده شدند توسط محقق با استفاده از آزمون خواندن کلاس سوم مورد ارزیابی بیشتر قرار گرفتند. برای حصول اطمینان از آزمون هوش ریون برای اندازه‌گیری هوش استفاده شد. این نمونه ۳۰ نفری از دانش‌آموزان به صورت تصادفی در دو گروه کنترل و آزمایش گمارده شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها پژوهش از ابزارهای زیر استفاده شد:

مصاحبه بالینی: از افرادی که به عنوان مشکل اختلال خواندن توسط کادر مدرسه معرفی شده بودند، مصاحبه بالینی بر اساس ویراست چهارم راهنمای آماری تشخیصی اختلالات روانی به عمل آمد. در طی این مصاحبه نقایص شنوایی و بینایی و اختلالات روانپزشکی مورد بررسی قرار گرفت.

فهرست نشانگان نارساخوانی: نشانگان نارساخوانی توسط بذر افشان در سال ۱۹۸۷ تهیه شد. این فهرست شامل پانزده آیتم به صورت بله و خیر می‌باشد که در زمان خواندن متن توسط

بررسی اثربخشی آموزش توجه بر اساس برنامه‌ی فلچر بر عملکرد خواندن دانش‌آموزان دختر نارساخوان

دانش‌آموز، معلم آن را پر می‌کند (اهرمی، ۲۰۱۱). در کلاس درس معلم از آزمودنی می‌خواهد تا از روی مطالب کتاب فارسی خود شروع به خواندن کند. سپس با توجه به اشکالات آزمودنی آیتم‌های مربوط به آن در فرم مورد نظر با علامت ضربدر مشخص می‌شود. اگر بیش از پنج مورد علامت بله زده شود، دانش‌آموز مشکوک به نارساخوانی خواهد بود و برای ارزیابی دقیق‌تر به مرحله بعد ارجاع می‌شود. دانش‌آموزانی که بر اساس این فرم در ۹۰ درصد موارد مشکلی در خواندن نشان ندادند به‌عنوان هنجار در نظر گرفته می‌شوند در غیر این صورت نارساخوان تشخیص داده خواهند شد.

ماتریس‌های پیشرونده ریون: به منظور اندازه‌گیری بهره‌ی هوشی آزمودنی‌ها از نسخه دوم آزمون ۳۶ تصویر رنگی ریون استفاده شد. هدف اصلی این آزمون اندازه‌گیری عامل هوش عمومی است. ضریب اعتبار این آزمون در گروه‌های مختلف سنی بین ۰/۷۰ تا ۰/۹۰ به دست آمده است (آناستازی، ۲۰۰۰؛ به نقل از عابدی و همکاران، ۲۰۱۱). روایی این آزمون در همبستگی با تست وکسلر برابر با ۰/۸۶ گزارش شده است. پایایی آن بین ۰/۸۳ تا ۰/۹۳ به دست آمده است (عابدی و همکاران، ۲۰۱۱).

آزمون خواندن کلاس سوم: این آزمون توسط بدیعیان (۱۹۹۶) اعتباریابی شده است و پایایی آن برای دانش‌آموزان پایه سوم ابتدایی ۰/۹۲ برآورده شده است. این آزمون در برگیرنده متداول‌ترین مشکلاتی است که در برنامه‌های خواندن روبه‌وی دانش‌آموزان قرار دارد و برای سنجش هر دسته از این مشکلات تنظیم شده است. این فرم ۸ خرده‌آزمون دارد که توسط محقق تکمیل می‌شود. خرده‌آزمون‌ها از ساده به دشوار تنظیم شده است و زمان نیز متناسب با آنچه خود محقق مناسب می‌داند در اختیار آزمودنی می‌باشد. این آزمون دارای ۸ خرده‌آزمون است که برای خرده‌آزمون‌های ۱ تا ۶ هر کدام ۱۰ نمره و برای خرده‌آزمون‌های ۷ و ۸ هر کدام ۲ نمره در نظر گرفته شده است و در مجموع ۱۰۰ نمره می‌شود. و به ازای هر خطای آزمودنی یک نمره از آزمودنی کسر می‌شود. نقطه برش برای این آزمون ۴۸ است هر دانش‌آموزی نمره او ۴۸ یا کمتر

از ۴۸ (۵۲ خط بیشتر) باشد به عنوان دانش‌آموز نارساخوان تشخیص داده می‌شود.

روش اجرا: پس از انجام نمونه‌گیری، یک جلسه پیش‌آزمون در اوایل اسفند ۱۳۹۰ اجرا شد. نمونه مورد نظر به وسیله نشانگان نارساخوانی، آزمون کلاس سوم ابتدایی، مصاحبه و آزمون هوش تشخیص و مورد ارزیابی قرار گرفتند. سپس افراد انتخاب شده در دو گروه آزمایش و کنترل قرار گرفتند. متغیر مستقل (آموزش توجه بر اساس برنامه فلچر) بر روی گروه آزمایش اجرا شد. گروه آزمایش به صورت سه جلسه در هفته تحت مداخله درمانی-آموزشی به شیوه گروهی قرار گرفتند. مدت زمان هر جلسه ۴۵ دقیقه در نظر گرفته شده بود. آموزشها به دانش‌آموزان در یک کلاس خالی انجام می‌گرفت. پس از ۱۲ جلسه مداخله آموزشی که چهار هفته به طول انجامید در اواسط اردیبهشت ماه مجدداً در یک جلسه و به صورت انفرادی همگی شرکت‌کنندگان در پژوهش توسط فرم نشانگان نارساخوانی و آزمون خواندن کلاس سوم ابتدایی مورد ارزیابی قرار گرفتند. محتوای جلسات به شرح زیر است:

جلسه اول: معرفی روش، نقش توجه در خواندن و ایجاد یک رابطه صمیمانه هدف این جلسه بود. جلسه دوم: در این جلسه توجه شنیداری با روش‌های مختلف تقویت می‌شود. به عنوان مثال محقق جملاتی را با صدای آهسته می‌خواند بعد از مکث کوتاهی از دانش‌آموز می‌خواستند آن را تکرار کند و بازی دور شو نزدیک شو انجام شد. جلسه سوم و چهارم: هدف از این دو جلسه افزایش توجه دیداری بود به این منظور روش شناسایی تفاوت در تصاویر مشابه، تشخیص شکل از زمینه، رمز نویسی، بازی بین و بگو با دانش‌آموزان انجام گرفت. جلسه پنجم: رنگ آمیزی تصاویر مشابه در یک صفحه صورت گرفت. جلسه ششم: تمرینات جلسات قبل ارزیابی شد. جلسه هفتم: توجه ترسیمی تقویت شد. به این منظور ترسیم ماز، وصل کردن نقطه‌ها به یکدیگر، کامل کردن تصاویر ناقص، پیدا کردن اشتباهات در تصاویر به دانش‌آموزان آموزش داده شد. جلسه هشتم: در این جلسه توجه عملی و ایجاد تمرکز هدف مورد نظر بود، که روش قیچی کردن اشکال مختلف از روی کاغذ، چیدن پازل به کار گرفته شد. جلسه نهم: در این جلسه توجه لمسی هدف اصلی است. به این

بررسی اثربخشی آموزش توجه براساس برنامه‌ی فلچر بر عملکرد خواندن دانش‌آموزان دختر نارساخوان

منظور اشیایی درون کیسه قرار داده شد سپس از دانش‌آموز خواسته شد اشیا را لمس کند و نام آنها را بگوید. جلسه دهم: هدف هماهنگی بینایی و- حرکتی بود. و تمرینات انداختن حلقه‌های پلاستیکی در میله از فاصله معین، بازی بولینگ، دارت در این جلسه انجام شد. جلسه یازدهم: در این جلسه داستان‌هایی برای آزمودنی خوانده شد و از آزمودنی‌ها خواسته شد که پس از اتمام داستان به سؤال‌ها جواب دهند. جلسه دوازدهم: آزمون عملکرد خواندن اجرا شد.

نتایج

داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از روشهای توصیفی (میانگین و انحراف معیار) تجزیه و تحلیل شد. سپس برای اثربخشی آموزش توجه و نشان دادن تفاوت‌های موجود بین دو گروه پژوهش از آزمون تحلیل واریانس (مانکوا) استفاده شد. در این تجزیه و تحلیل پیش‌آزمون (نتایج ارزیابی توسط فهرست نشانگان نارساخوانی و آزمون خواندن کلاس سوم قبل از اجرای برنامه فلچر) و هوش به عنوان متغیر کنترل مورد بررسی قرار گرفت.

جدول ۱. میانگین و انحراف معیار نمرات گروه آزمایش و کنترل در پیش‌آزمون و پس‌آزمون عملکرد خواندن

SD	M	نوع آزمون	گروه
۶/۹۱	۳۴/۹۳	پیش‌آزمون	آزمایش
۱/۱۴	۶۳/۲۰	پس‌آزمون	
۰	۳۳/۴۶	پیش‌آزمون	کنترل
۸/۷۲	۳۷/۵۳	پس‌آزمون	

نتایج جدول ۱ میانگین و انحراف معیار گروه‌های آزمایش و کنترل را در پیش‌آزمون و پس‌آزمون عملکرد تحصیلی خواندن را نشان می‌دهد. بر طبق این نتایج میانگین گروه آزمایش پس از مداخله افزایش یافته است.

جدول ۲. نتایج تحلیل کواریانس آموزش توجه بر عملکرد تحصیلی کودکان نارساخوان

شاخص‌های آماری	SS	df	MS	f	P	Eta	توان آزمون
پیش‌آزمون	۷۵۸/۳۱۰	۱	۷۵۸/۳۱۰	۹/۲۳	۰/۰۰۵	۰/۲۶	۰/۸۳
هوش	۶/۱۳۱	۱	۶/۱۳۱	۰/۷۵	۰/۷۸	۰/۰۰۳	۰/۵۸
گروه	۶۵۲۳/۵۳	۱	۶۵۲۳/۵۳	۷۹/۵۴	۰/۰۰۱	۰/۷۵	۱

با توجه به جدول ۲ با در نظر گرفتن نمرات پیش آزمون به عنوان متغیر همپراش (کمکی)، مداخله آموزش توجه منجر به تفاوت معنی‌دار بین گروه آزمایش و کنترل شده است ($p < 0/001$). و میزان تاثیر ۰/۷۵ بوده است. این امر نشان دهنده این است که مداخله آموزش توجه بر عملکرد تحصیلی خواندن موثر بوده است. ۰/۷۵ درصد از واریانس پس آزمون مربوط به مداخله آموزش توجه را در بر می‌گیرد. توان آماری ۱۰۰ می‌باشد که نشان دهنده حجم کافی نمونه است.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از این پژوهش تعیین میزان اثربخشی آموزش توجه بر اساس برنامه فلچر بر کودکان دختر پایه سوم دبستان شهر شیراز است. همانطور که در بخش نتایج دیده شد تفاوت معناداری بین گروه آزمایش و کنترل در نمرات پس آزمون وجود دارد. بر این اساس می‌توان گفت آموزش توجه به منظور عملکرد بهتر خواندن موثر بوده است. نتایج این پژوهش با مطالعات فلچر (۲۰۰۷)، ویلبرگر (۲۰۱۰)، مک کلو سکی (۲۰۰۹) و اپسی و همکاران (۲۰۰۴)، هونجانی (۲۰۰۷)، عابدی (۲۰۱۰) و عابدی و همکاران (۲۰۱۲) همخوانی دارد. نتایج پژوهش‌های مختلف نشان می‌دهد کودکان نارساخوان علی‌رغم داشتن هوش عادی عملکرد پایینی در خواندن نسبت به همکلاسی‌های عادی‌شان دارند. در تحقیقی که توسط سلطانی و همکاران (۲۰۱۲) انجام شد، تأثیر کارکردهای اجرایی و توجه بر اختلال خواندن و ریاضیات بررسی گردید. این یافته‌ها نشان داد بعد از پایان دوره‌ی آموزشی عملکرد کودکان بهبود یافت. مطالعات اخیر در مورد فرایندهای

توجه بر عملکرد کودکان دارای مشکلات یادگیری همگی به این نکته اشاره دارند کودکان با اختلال یادگیری، عملکرد ضعیفی در توجه انتخابی، حفظ توجه، فراخنای توجه و غیره دارند. از پژوهش‌های بررسی شده چنین استنباط می‌شود که یک نقص ذهنی در کودکان نارساخوان وجود دارد و آن عدم توانایی در تمرکز دقت و توجه بر مطلب مورد بحث است. همچنین کودکانی که دارای نارسایی ویژه در یادگیری هستند، فرآیند رشد آنها در کسب دقت و توجه طبیعی دچار تأخیر یا وقفه شده است. این کودکان در تکالیفی که در آن عوامل منحرف کننده توجه وجود دارد، بدترین عملکرد را از خود نشان می‌دهند و اغلب معلمان آنها را به مثابه افرادی که نسبت به همسالان عادی خود به طور معناداری توجه کمتری دارند، ارزیابی می‌کنند. توجه کودکان با اختلال خواندن به سرعت از تکلیف مورد نظر منحرف می‌شود. توجه تحت عنوان توانایی‌های اولیه گروه‌بندی شده است. زیرا به نظر می‌رسد توجه به طور اصولی با عملیات روانی افراد روابط متقابل داشته باشند، به صورتی که وقتی مختل می‌شوند روی تفکر و زبان شفاهی و خواندن تأثیر می‌گذارد. در تبیین این نتایج می‌توان گفت از آنجایی که میزان توجه یادگیرندگان به موضوع درس از عوامل اصلی آموزش و یادگیری است و اگر توجه کافی نباشد یادگیری فرد خدشه دار می‌شود. لذا معلمان دبستان باید در آموزش خواندن به کودکان، به ویژه کودکان با نارساخوانی به پیشایندهای یادگیری خواندن (توجه و دقت) ملاحظه نمایند. آموزش توجه و انواع آن به صورت بازی یا بازی‌های ریتمیک، به صورت یک مداخله رفتاری صورت می‌گیرد. مداخله حاکی از اثرات بهبود در کودک مبتلا به اختلال نارساخوانی است. همچنین در تبیین این یافته می‌توان گفت کودکان نارساخوان در مهارت‌های عصب - روان شناختی که توجه و حافظه را نیز شامل می‌شوند مشکل دارند. توجه کودک نارساخوان را می‌توان با بازی و فعالیت‌های جسمانی پر جنب و جوش افزایش داد. در نتیجه با این روش می‌توان عملکرد خواندن را در کودکان اختلال یادگیری بهبود بخشید. بنابراین معلمان و مربیان در فرآیند آموزشی به آموزش توجه باید نظر خاصی داشته باشند.

محدودیت‌های این پژوهش شامل تعداد کم نمونه، عدم اجرای دوره پیگیری به دلیل عدم

همکاری مسئولین می باشد. یکی دیگر از محدودیت‌ها که تعمیم نتایج را با مشکل مواجه می کند این است که پژوهش حاضر فقط در دختران نارساخوان صورت گرفته است، لذا پیشنهاد می گردد در تحقیقات بعدی به این مورد توجه شود. همچنین پیشنهاد می شود دوره‌های پیگیری انجام شود و آموزش توجه در دیگر اختلال‌های یادگیری و در پایه‌های دیگر تحصیلی انجام شود. بنابراین با توجه به مطالب بیان شده، رفع یا کاهش مشکلات توجهی دانش‌آموزانی که به ناتوانی در خواندن دچارند، مستلزم گنجاندن برنامه توجه در آموزش این کودکان می باشد.

References

- Abdi, R. & Mohammadi, Sh. (2013). The effect of metadiscourse markers presence on high school EFL learners reading comprehension. *Journal of School Psychology*, 2(2), 93-106. (Persian).
- Abedi, A. (2010). Investigation of effectiveness of neuropsychological interventions for improving academic performance of children with mathematics learning disabilities. *Advances in Cognitive Science*, 12(1), 1-12. (Persian).
- Abedi, A., Piruz, M. & Yarmohamdayan, A. (2012). The Effectiveness of Training Attention to the Mathematic Performance of Students with Mathematic Learning Disability. *Journal of learning Disabilities*, 1(2), 60-92. (Persian).
- Ahromi, R. (2011). The effectiveness of training attention to the reading performance of student with dyslexia in isfahan. *MSc Dissertaton, University of Isfahan*, 100-112. (Persian).
- Ahadi, H. & Kakavand, A. R. (2010). Learning Disorders (Theory and practice). *Theran: Arasbaran Publishing*, 94-115. (Persian).
- American Psychiatric Association: Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders, 5th Edition. (2000). *Washington DC, American Association*.
- Anastasi, A. (1998). Psychological testing. (6th ed). (New: Macmillan).
- Bdyyan, S. A. (1996). Survey of prevalence of reading and writing disorders in bilingual elementary schools in the area of feradounshar. Dissertation in general psychology, Khorasgan Islamic Azad University. (Persian)
- Bardford, J. (2005). Using sensory teaching methods. *Journal of Applied Psychology*, 1(11), 45-55.
- Barkley, R. A. (1997). Behavioral inhibition, sustaintion, and excutive function: Constructing a unifying theory of ADHD. *Psychological Bulletin*. 121, 65-94.
- Epsy, K. A., McDiarmid, M. M., Cwik, F., Stalets, M. M., Hamby, A, & Senn, T. E. (2004). The contribution of executive function to emergent mathematic skill in preschool children. *Developmental Neuropsychology*. 26, 465-486.
- Esesternberg, A. M. (2006). Attention performance in young adults with learning disabilities. *Learning and Individual Differences*, 14, 125-133.

- Etak, N., Kisac, B. (2008). A descriptive study: Reading comprehension and cognitive awareness skills. *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 1, 834–837.
- Honjani, S. (2006). The Effectiveness of Training Attention to the Writing ability of the Students with a learning disability in Isfahan. *MSc Dissertation, University of Isfahan*. 45-46.(Persian).
- Fletcher, J. M., Lyon, G. R., Fuchs, L. S., & Barnes, M. A. (2007). Learning disabilities From identification to intervention. *New York: Guilford*.
- Karami, J., Alikhani, M., zkiei, A., Khodadi, K. (2012). The effectiveness of art therapy (painting) in reducing the aggressive behavior of students with dyslexia. *Journal of learning Disabilities*, 1(3), 105-117.(Persian).
- Lerner, Gh. (2008). Learning Disabilities, Theories, Diagnosis and Teaching Strategies. *Boston, Houghton Mifflin*.
- Lyon, G. R., Shaywitz, S. E., & Shaywitz, B. A. (2003). Defining dyslexia, comorbidity, teachers knowledge of language and reading. *Annals of Dyslexia*, 53, 1-14.
- Nicolson, R. I. & Fawcett, A. J. (2007). Behavioral and neurophysiological correlates of dyslexia in the continuous performance task. *Clinical Neurophysiology*, 118(4), 845-855.
- Meltzer, L. (2007). Executive function in education From theory to practice. *New York, Guilford Press*.
- McCloskey, G., Perkins, L., & Diviner, B. (2009). Assessment and intervention for Stern, executive function difficulties. *New York. Rutledge Press*.
- Mirmehdi, R., Alizadeh, H. & Naraghi, M. (2009). The Effectiveness training on the performance of executive function math and reading for Students School With Special Learning Disabilities. *Research on Exceptional children*, 9(1), 1-12.(Persian).
- Raghebian, R., AkhavanTafti, M., & Hejazi, E. (2012). An examination of the effectiveness of a program based on combining questioning the author and triarchic reading comprehension approaches in improving the students' reading comprehension. *Journal of school psychology*, 1(2), 39-58. (Persian).
- Sadocks, B. J. & Saddocks, V. A. (2007). Synopsis of Psychiatry (Behavioral Sciences clinical Psychiatry). 9th ed.
- Seidman, L. J. (2006). Neuropsychological functioning in people with ADHD across the lifespan. *Clinical Psychology Review*, 26 (20) 466–485.
- Sen, H. S. (2009). The relationship between the use of metacognitive strategies and reading comprehension. *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 1, 2301–2305.
- Soltani, S., Alizadeh, H., Hashemi, Jh., Sarami, Gh. (2012). Executive function deficits in students with mathematical learning disorder. *Jurnal Advances in Cognitive Science*, 3(14), 75-84. (Persian).
- Swanson, H. L., & Jerman, O. (2006). Math disabilities: A selective meta- analysis of the literature. *Review of Educational Research*, 76(2), 249-27.
- Wary, L. (2012). Screening for specific learning difficulties (SpLD): The impact upon the progression of pre-registration nursing student. *Journal Nurse Education Today*, 32, 96-100.
- Willburger, E. (2010). Temporal processing, attention and learning disorders. *Journal Learning and Individual Differences*, 20, 393–401.

The effectiveness of training attention based on fletcher's program on the reading performance of female student with dyslexia

R. Chupan Zideh¹, A. Abedi² & M. Pirooz Zijerdi³

Abstract

The purpose of the present research is to investigate the effectiveness of attention training based on Fletcher's program on the reading performance of students with dyslexia. The study is an experimental one. Thirty students were selected through multi-stage clustering random sampling and were randomly divided into an experiment group and a control group (15 in the experiment group and 15 in the control group). To gather data, from the clinical interview, the list of symptoms of dyslexia, the third-grade reading test and the Raven progressive intelligence test were used. The attention training was presented in 12 sessions. The result of the analysis of covariance revealed that training attention significantly increases reading performance of student with dyslexia. The results indicated that, beside other intervention types, training attention can be used to improve reading problem in students with dyslexia.

Keywords: attention training, dyslexia, fletcher's program, reading performance.

1. Corresponding Author: M.A. of Psychology and Education of children with Special Needs, University of Isfahan. (roya.chopan@yahoo.com)

2. Associate Professor of Psychology and Education of children with Special Needs, University of Isfahan.

3. M.A. of Psychology and Education of children with Special Needs, University of Isfahan.